

داور و عدلیه

علی اکبر داور و نقش او در تأسیس
دادگستری نوین ایران

نویسنده: دکتر باقر عاقلی



فهرست مطالب

فصل اول: دوران سازندگی (۹ تا ۲۶)

فعالیت در حزب دموکرات — ورود به عدلیه — مدعی العموم تهران — همکاری با روزنامه تندر و شرق — عزیمت به اروپا برای تحصیل — مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ — انتخاب نام خانوادگی — کودتای حوت ۱۲۹۹ — عزیمت بایران برای همکاری با سیدضیاء — رئیس کل معارف

فصل دوم: ورود به صحنه سیاست (۲۷ تا ۳۶)

نماینده مجلس — روزنامه مرد آزاد — حزب رادیکال — داور و مجلس چهارم — سردار سپه رئیس الوزراء

فصل سوم: نقش داور در مجلس پنجم (۳۷ تا ۶۱)

جمهوریت و داور — پیدا شدن حریف تازه — مثلث سیاسی — سلطنت محمدحسن میرزا — در لب پرتگاه — طراحان فرماندهی کل قوا

فصل چهارم: خلع قاجاریه و نقش داور (۶۳ تا ۹۲)

بلوای ساختگی نان — اولین زنگ خطر و موتمن الملک — تهیه ماده واحده — مشاجره داور و مدرس — مصدق السلطنه و داور — نطق دکتر مصدق — نطق داور — مطالبه دستمزد — مجلس مؤسسان — داور وزیر فوائد عامه

فصل پنجم: انتخابات دوره ششم و داور (۹۳ تا ۱۰۲)

سوء قصد به مدرس و نقش داور

فصل ششم: داور وزیر عدلیه (۱۰۳ تا ۲۶۵)

انحلال و افتتاح عدلیه — مخالفت مصدق با اقدامات داور در عدلیه — قضاتی که فرمان گرفتند. داور چگونه قضات را انتخاب کرد — تشکیلات قضائی در سال ۱۳۰۸ شمسی — افتتاح مدرسه حقوق و تشکیل کلاس قضائی — تحصن وکلای دادگستری در مجلس — لباس متحدالشکل — هیئت تفتیشیه مملکتی — لغو

کاپیتولاسیون - محاکمه اتباع آلمان در ایران - رسوایی کاربانک - شبیخون داور به قانون اساسی - تفسیر اصل ۸۲ قانون اساسی - لغو قرارداد نفت و داور - داور در جامعه ملل - زورآزمایی وزیر عدلیه ایران و وزیر خارجه انگلیس - نطق وزیر خارجه انگلیس - پاسخ داور - چگونگی شکست دو پایه مثلث سیاسی - ماجرای نصرت الدوله - ماجرای تیمورتاش - سقوط کابینه و برکناری مخبرالسلطنه هدایت - فروغی رئیس الوزراء

فصل هفتم: داور وزیر مالیه (۲۶۷ تا ۳۱۶)

انتقال قضات به وزارت مالیه - مرگ ناگهانی تیمورتاش و دستگیری سردار اسعد بختباری - اقدامات داور در وزارت مالیه - داور و شرکتهای دولتی - معاملات پایاپای با دولت شوروی - تأسیس شرکت مرکزی - صادرات و واردات با آلمان - گرفتاری بقیه دوستان داور - اعدام اسدی و برکناری فروغی - جم یا داور - اخراج مستشاران بلژیکی از گمرکات - داور و اعطای امتیاز نفت به کمپانی امریکائی - افزایش سرمایه بانک ملی - تشکیل شرکت بیمه ایران - تشکیل شرکت ساختمانی - تأسیس کارخانجات پنبه پاک کنی - ایجاد سیلو - صادرات تریاک - برکناری دو وزیر - محاکمه منصور و رضا افشار - چرا داور از پای درآمد - داور و سرلشگر آیرم و سرباس مختار - یک روز قبل از مرگ آخرین شب داور - مکتب سیاسی و مدیرسازی داور.

فصل هشتم: داور در آئینه تاریخ (۳۱۷ تا ۳۹۰)

از مشیرالدوله تا علی اکبر داور - بحران نوشته ای از داور - ماجرای خودکشی داور - خیمه شب بازی - خاطره هائی از داور.

مقدمه

انقراض و فروپاشی سلسله قاجاریه و عزل سلطان احمدشاه حادثه ای است که ریشه های آن را باید در انقلاب روسیه و از بین رفتن رژیم سلطنتی تزار جستجو کرد. پس از انقلاب روسیه تمام معاهدات و پیمان های روسیه و ایران باطل گردید از جمله آن معاهدات پیمان ننگین ترکمانچای بود که بموجب یکی از مواد آن خانواده رمانف که سلطنت را در آن کشور برعهده داشت موظف بود از پادشاهی سلسله قاجاریه و فرزندان عباس میرزا حمایت و جانبداری نماید. پس از فروپاشی خاندان رمانف در روسیه و تغییر رژیم، دولت انگلستان چون رقیب خود را در ایران از بین رفته دید به فکر بلعیدن منابع مادی و معنوی ایران افتاد و سرانجام با انعقاد قراردادی در سال ۱۹۱۹ با دولت مقتدر و ثوق الدوله آرزوی دیرین خود را جامه عمل پوشانید.

قرارداد ۱۹۱۹ به جهاتی که بحث در آن خارج از موضوع است سرنگرفت و با تمام تلاشی که مبذول شد مورد تأیید واقع نگردید. بعد از اینکه دولت انگلستان از اجرای قرارداد مأیوس شد به این فکر افتاد که نقشه دیگری طراحی کند. سرانجام بازیگران سیاسی دولت انگلیس کودتای ۱۲۹۹ را در ایران به راه انداختند. بازیگر سیاسی کودتا آقا سید ضیاءالدین جوانی سی ساله و روزنامه نویس بود که با طبع تند و آتشین خود دست به اقداماتی زد که با محافظه کاری دولت انگلستان در سیاست مغایر بود و پس از سه ماه از کار منفصل و از ایران تبعید شد. دست پنهان سیاست انگلیس مطالعات خود را درباره برگزیدن کسی که بتواند کشور را اداره کند سرانجام به نتیجه رسید و میر پنج رضاخان که پس از کودتا به مقام وزارت جنگی و لقب سردار سپه مفتخر شده بود بهتر از هر کسی برای رهبری این مملکت تشخیص داده شد ولی برای اینکه شخص مورد نظر زمینه ای برای خود در داخل مملکت فراهم سازد نیاز به زمان و مدت داشت. سردار سپه

در تمام کابینه‌های زودگذر بعد از کودتا وزیر جنگ بود. وزیر جنگی که هرگز به هیچکدام از رئیس‌الوزراءها اعتنایی نداشت و آنچه خود می‌خواست انجام می‌داد. برای اینکه سردار سپه تاریخ‌ساز بشود و رهبری این مملکت را برعهده بگیرد نیاز به افراد زرنگ و بازیگر و ناشناخته داشت. در آن ایام آنهایی که با القاب پرطمطراق (سلطنه و دوله و ملک و سلطان) در صحنه سیاسی ایران سالها بازیگری کرده بودند نمی‌توانستند آنطوریکه لازم بود قاجاریه را خراب و سردار سپه را بزرگ سازند. از نیرو برای زمینه‌سازی پادشاهی رضاخان لازم بود افراد تازه‌ای به گرد او درآیند تا زمینه کار از هر جهت فراهم و مهیا شود.

علی اکبر داور یکی از آن افرادی بود که به سردار سپه نزدیک شد و در پای علم او به سینه کوبی پرداخت. داور که در آن ایام تازه از اروپا بازگشته بود و جوای نام و شهرت بود با ورود به مجلس چهارم خیلی زود توانست در صحنه سیاسی ایران بازیگری ماهر شود. احاطه وی به نطق و بیان، نویسندگی، پرکاری و دوندگی، جمع‌آوری دوست و طرفدار، راه انداختن دسته و حزب‌سازی و بالاخره دائر کردن یک روزنامه خبری و تعقیب یک خط فکری بنام «اصلاحات» او را به دنبال سردار سپه کشانید. از تحصیلات و سابقه داور و سوانح زندگی او در این مقدمه چیزی نمی‌نویسم زیرا در متن کتاب بطور مشروح و مبسوط آمده است. همینقدر اضافه می‌کنیم یکی از چند نفری که صادقانه و صمیمانه در راه خلع سلسله قاجاریه و روی کار آوردن سلسله پهلوی سهمی به‌سزا دارد علی اکبر داور است. در این کتاب اقدامات داور از روز اول ورود به صحنه سیاسی ایران تا شبی که خودکشی کرد قدم به قدم دنبال شده است. نقش او در مجلس پنجم، تهیه مقدمات انقراض قاجاریه و تهیه طرح قانونی و پاسخ‌گویی به مخالفین و جدال با مدرس و دکتر مصدق، پس از انقراض قاجاریه و واگذاری حکومت موقتی به رضاخان پهلوی، چگونگی تشکیل مجلس مؤسسان و کارگردانی آن و تغییر چند اصل از متمم قانون اساسی و واگذاری سلطنت دائمی به خانواده پهلوی تماماً با ذکر جزئیات از نظر خوانندگان ارجمند خواهد گذشت. پس از استقرار سلسله پهلوی داور مدتی کوتاه وزیر فوائد عامه و تجارت شد و بار دیگر به مجلس شورای ملی راه یافت. از وقایع مهم دوره ششم سوء قصد به مدرس همه اخبار را تحت الشعاع قرار داد، داور بعنوان نماینده مجلس این اقدام را تقبیح کرد و در جلسات خصوصی و علنی از ذم اینگونه اعمال سخن گفت

در حالیکه سرهنگ درگاهی رئیس شهربانی وقت او را عامل سوء قصد می‌دانست. داور در اواخر سال ۱۳۰۵ در ترمیم کابینه حسن مستوفی به وزارت عدلیه منصوب شد و در همانروز عدلیه تهران را منحل کرد و از مجلس تقاضای اختیارات نمود. این اختیارات شامل قانونگذاری، استخدام و انتصاب و غیره بود با وجودیکه عده‌ای از نمایندگان این اختیارات را مغایر با متمم قانون اساسی می‌دانستند ولی با اکثریت قریب به اتفاق تصویب شد و داور کار خود را آغاز کرد پس از چندی عدلیه ولایات نیز تعطیل و منحل شدند. عدلیه جدید در اردیبهشت ۱۳۰۶ بطور ناقص شروع به کار کرد. در همانروز شاه فرمانی برای الغاء کاپیتولاسیون خطاب به مستوفی صادر نمود تا مقدمات الغاء آن را ظرف یک سال دولت فراهم سازد.

داور با اختیاراتی که از مجلس گرفت عده زیادی از اروپارفته‌ها و جوانان تحصیلکرده را به عدلیه برد و عدلیه‌ای به سبک دستگا‌ه‌های قضائی کشورهای اروپائی به وجود آورد و چندین قانون مهم و لازم تهیه و بمرحله اجرا درآورد. به دنبال الغای قرارداد نفت، داور در سال ۱۳۱۱ برای جوابگویی به شکایت دولت انگلیس از ایران در مورد لغو قرارداد داری به سویس رفت و در مقابل وزیر امور خارجه انگلیس عرض اندام نمود.

در سال ۱۳۱۲ حاج مخبرالسلطنه هدایت جای خود را به محمدعلی فروغی داد. در این کابینه داور جای خود را عوض کرد و از وزارت عدلیه به وزارت مالیه رفت و مشغول اصلاحات در دستگاه مالی کشور شد. داور برای ازدیاد درآمد و توازن بخشیدن به بودجه کشور به تشکیل شرکت‌های مختلف مبادرت نمود و تجارت را دولتی نمود، با کشورها شوروی و آلمان قراردادهای پایاپای منعقد ساخت. سرانجام با فشار کار و وحشت از ورشکستگی اقتصادی خود را از بین برد.

مجموعاً داور قریب پانزده سال در صحنه سیاسی ایران از افراد مؤثر و سازنده بود. از همان نخستین روزهایی که رضاخان به سرعت پله‌های نردبان ترقی را سیر می‌کرد سه نفر به او نزدیک شدند بطوریکه در آن ایام آن سه نفر مثلث سیاسی نام گرفتند، این سه نفر عبارت بودند از عبدالحسین تیمورتاش، نصرت‌الدوله فیروز و علی اکبر داور هر سه اروپا رفته و درس خوانده و جاه‌طلب. داور در میان آن سه نفر از نظر اجتماعی امتیازات بیشتری داشت، تقوی و عفت او در تمام مسائل زبانزد بود جز به کار اداری و سیاسی به هیچ چیز فکر نمی‌کرد، نه وارد معامله‌ای می‌شد و نه در زد و بندهای سیاسی و پشت‌پرده

دخالت می‌کرد، ایمان به کار داشت، به حسن شهرت و وجهه خود اهمیت می‌داد، و در حفظ آن می‌کوشید؛ بنابراین با دو پایه مثلث سیاسی در بعضی جهات تعارض داشت. مدت‌ها امور سیاسی کشور توسط این سه نفر پی ریزی و اجرا می‌شد، در بین این سه نفر تیمورتاش مقام و موقعیت بهتری پیدا کرد و بیش از آن دو نفر مورد توجه شاه قرار گرفت و هرگز تصور نمی‌رفت روزی از اریکه قدرت به کنج زندان انتقال یابد.

اولین کسیکه از مثلث سیاسی خارج شد نصرت‌الدوله فیروز بود، در سمت وزارت مالیه در تکیه دولت توسط رئیس نظمیہ جلب و تحت نظر قرار گرفت و پس از محاکمه محکومیت مختصری پیدا کرد و در آن ایام گزند زیادی به او نرسید ولی بعدها اعمال او موجب شد تا دستگیر و به زندان سمنان انتقال یابد. عجیب آنکه داور در سمت وزیر عدلیه موجبات محاکمه دو پایه مثلث سیاسی را تدارک دید و بدست همان عدلیه هر دو محکوم و در زندان از بین رفتند. در این کتاب سوانح مهم زندگانی این شخص را باضافه سرنوشت دوستان او و فراز و نشیب‌های سیاست را مطالعه خواهید فرمود.

دکتر باقر عاقلی

فصل اول

دوران سازندگی